

چالش‌های ساختاری مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب و راه کارها

زهرا فروتنی^۱، عطیه بحرانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

چکیده:

نظر به اهمیت چالش‌های ساختاری موجود در کشور و با عنایت به تاکید مقام معظم رهبری مبنی بر تحلیل علمی گفتمان بیانیه گام دوم انقلاب توسط دانشگاه‌ها، تحقیق حاضر با هدف: شناسایی چالش‌های ساختاری مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب و رتبه بندی آنها به لحاظ تاثیرگذاری و ارائه راه کارها انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق اعضای هیئت علمی دانشگاه ارومیه و روش پژوهش: پیمایشی و نیز تحلیل محتواست. متن مورد تحلیل، بیانیه گام دوم و در بخش پیمایش ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است که روایی و پایایی آن تایید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کای دو و فریدمن استفاده شد. یافته‌های: تحقیق نشان می‌دهد که چالش‌های ساختاری مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب، وابستگی اقتصاد به نفت، حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، مغفول ماندن ظرفیت‌های داخلی، مغفول ماندن ظرفیت‌های نیروی انسانی، بودجه بندی معیوب و نامتوازن، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد، عدم رعایت اولویت‌ها، اسراف در دستگاه حکومت است و تاثیر این چالش‌ها بر اقتصاد کشور از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه معنادار است. نتایج: نشان می‌دهد که از دیدگاه جامعه آماری تحقیق، سه چالش وابستگی اقتصاد به نفت، حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و بودجه بندی معیوب و نامتوازن تاثیرگذارترین چالش‌های ساختاری بر اقتصاد کشور هستند.

واژگان اصلی: بیانیه گام دوم انقلاب، چالش‌های ساختاری؛ چالش‌های ساختاری در بیانیه گام دوم انقلاب؛ راه کارهای رفع چالش‌های ساختاری، امام خامنه‌ای

۱. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

zfor@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

رهبر انقلاب در چهل سالگی انقلاب، بیانیه گام دوم را به عنوان رهنمودهای اجرایی آینده نظام معرفی کردند و با این کار مهم، فصل جدیدی فراروی حرکت‌های انقلابی قرار دادند. ایشان در این بیانیه یک ترسیم کلی از گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی ارائه دادند و سپس چشم اندازی که انقلاب اسلامی باید به آن برسد را تعیین فرمودند. بیانیه گام دوم انقلاب، تجدید مطالعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» قلمداد می‌شود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم می‌زند. این بیانیه، نقشه راه و حاوی نکاتی بسیار مهم است که در صورت تبیین و اجرای کامل آن، به عنوان سند توسعه و تحول همه جانبه برای کشور عمل خواهد کرد. برای دستیابی به این اهداف و چشم اندازها، ابتدا لازم است موانع و چالش‌های موجود، مورد مطالعه علمی قرار گیرند تا بتوان با رفع این چالش‌ها، اهداف موجود در بیانیه را عملی ساخت؛ چرا که برای حرکت در آینده، شناخت گذشته و آسیب شناسی آن، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. مقام معظم رهبری در بخشی از این بیانیه، ضمن پرداختن به چالش‌های ساختاری موجود، بر تحلیل علمی گفتمان بیانیه گام دوم انقلاب توسط دانشگاه‌ها تأکید فرمودند. نظر به اهمیت موضوع و با عنایت به مطالبه رهبری، تحقیق حاضر به تحلیل و اولویت‌گذاری چالش‌های ساختاری مورد اشاره رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب از دیدگاه استادان دانشگاه پرداخته و راه کارهایی برای رفع این چالش‌ها ارائه داده است.

مبانی نظری

چالش‌های ساختاری مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب

از دهه ۹۰ تاکنون تقریباً تمام تأکیداها و راهبردهای امام خامنه‌ای پیرامون مسائل اقتصادی بوده است؛ به طوری که این امر در نامگذاری سال‌های دهه ۹۰ کاملاً مشهود است. یکی از رویکردهای اساسی ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب نیز آسیب شناسی و ارائه رهنمودهای موثر در زمینه اقتصادی است. رهبر معظم انقلاب در این بیانیه، ضمن برشمردن ظرفیت‌های مهم کشور برای گام دوم انقلاب در حوزه اقتصادی برای رفع کاستی‌ها و تحقق اقتصاد قوی، توصیه‌ها و الزامات مهمی را بیان کرده‌اند... نکته مهم دیگر در این بیانیه اشاره به این واقعیت است که اساساً تحریم‌ها در جوار ضعف‌های داخلی اقتصاد معنا می‌یابند و با حل ضعف‌های داخلی، اثر تحریم‌ها هم به شدت کاهش می‌یابد (شاکری، ۱۳۹۷: ۱).

امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب به اقتصاد به عنوان یکی از محورهای اصلی بیانیه پرداختند و فرمودند: "اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است. ... نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. راه‌حل این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد... (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴)

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به مدیریت‌هایی اشاره داشتند که در طول چهل سال انقلاب، «بی‌توجه به شعارهای انقلاب و غافل از جریان انقلابی، گاه رویگردان از ارزش‌های دینی» و «غافل از ظرفیت‌های کم‌نظیر طبیعی و انسانی» بوده‌اند. این رویکرد که به تعبیر معظم‌له خسارت‌بار هم بوده است علاوه بر ایجاد مانع در تحقق آرمان‌های انقلاب، باعث به وجود آمدن جریانی خاص در سطح کلان شد که از جایگاه طلبکارانه به ملت و کشور می‌نگریست و ایام مدیریت را نه فرصتی درخشان برای خدمت بلکه افتخار و متی بر ملت می‌دانست... چرخه بسته مدیران لیبرال پس از گذشت چهار دهه، نه تنها کارنامه درخشانی نداشته، بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری به عنوان چالش درونی نظام مطرح شده است. چنانچه فرمودند: «چالش درونی عبارت است از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی» (موسوی طباطبایی، ۱۳۹۸: ۲).

در این بیانیه به صراحت عملکردهای ضعیف اقتصادی و چالش‌های درونی اقتصاد بیان شده و یگانه راه حل غلبه بر مشکلات اقتصادی، پیاده سازی اقتصاد مقاومتی عنوان شده است. منظور از اقتصاد مقاومتی، اقتصادی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقام سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه، تضمین کننده رشد و شکوفایی اقتصادی می باشد. این اقتصاد، مردم بنیان، عدالت محور، دانش بنیان، درون‌زا، برون‌گرا، پیشرو، فرصت‌ساز، مولد، با رویکرد جهادی و انعطاف پذیر است (یوسفی، ۱۳۹۸: ۳۷).

یکی از موارد مهمی که در این بیانیه تاریخی ذکر شده است، چالش‌های ساختاری موجود در اقتصاد کشور است که موضوع این نوشتار است. مقام معظم رهبری چالش‌های بیرونی مانند «تحریم و سوسه‌های دشمن» را به شرط اصلاح چالش‌های درونی، کم اثر و حتی بی اثر می‌داند. بررسی‌های انجام شده در مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد، ریشه وضعیت فعلی اقتصاد کشور را می‌توان در پنج دسته کلی خلاصه کرد (نمودار ۱).



نمودار ۱: چالش‌های ساختاری اقتصاد کشور (به نقل از خبرگزاری تسنیم: ۱۳۹۹/۳/۱۶)

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که مصباحی مقدم (۱۳۹۷) با عنوان "غلبه بر چالش‌های اقتصادی در گام دوم انقلاب" به برخی از عیوب اقتصادی مهم کشور که باید در گام دوم انقلاب برطرف شود، اشاره کرده است. از جمله: وابستگی به نفت، آفت نگاه به خارج، توجه به کالای ایرانی، توجه به نیروی انسانی نسل جدید، اصلاح ساختار بودجه و برقراری عدالت و رفع شکاف طبقاتی.

در پژوهش امینی و پناهی (۱۳۹۸)، راهبرد بهره برداری از توان‌های جغرافیای طبیعی برای تعالی و پیشرفت کشور بر مبنای رونق اقتصاد درون‌گرا، تحقق عدالت فضایی و جغرافیایی، حفظ حقوق محیط زیست، بهینه‌سازی برنامه‌های توسعه بر مبنای واقعیت‌های طبیعی، ارتقاء ضریب پایداری محیطی، تقلیل معضلات زیست محیطی، تحقق الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی و ارتقاء عزت، انسجام و اتحاد ملی و شکوفایی تمدن اسلامی محرز شد.

رستگار و باقری قره باغ (۱۳۹۹)، با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب به بررسی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛ قربانی توتکابنی (۱۳۹۹) به فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (بارویکرد بیانیه گام دوم انقلاب)؛ بذرپاش (۱۳۹۷) به پیش‌ران‌های مطرح شده در بیانیه و اشیری (۱۳۹۷) به تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب از زاویه تحلیل کارکردها و اثرات گفتمان‌سازانه اجتماعی آن پرداخته‌اند. شاکری (۱۳۹۷) این بیانیه را از جنبه اقتصادی و لزوم اجرای اصلاحات اقتصادی توسط جوانان و عبدالملکی (۱۳۹۷) از جنبه الزامات حرکت موثر در حوزه‌های اصلی مرتبط با گام دوم انقلاب بررسی کرده‌اند.

مقیم (۱۳۹۷) نیز با عنوان "بیانیه گام دوم انقلاب، رهنامه پیشرفت ایرانی - اسلامی"، منظومه فکری امام خامنه‌ای را در این بیانیه تبیین کرده است.

وجه تمایز این تحقیق با مطالعات قبلی، شناسایی چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب با استفاده از روش علمی تحلیل محتوا و رتبه بندی اهمیت و تاثیر این چالش‌ها در اقتصاد کشور از منظر استادان دانشگاه و ارائه راهکارهای لازم برای رفع این چالش‌هاست که در جهت نوآوری تحقیق حاضر ارزیابی میشود.

روش‌شناسی تحقیق

هدف از تحقیق حاضر، شناسایی و رتبه بندی چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب است. این تحقیق کاربردی از نوع توصیفی - پیمایشی و نیز تحلیل محتواست. بدین ترتیب

که از شیوه تحلیل محتوا برای شناسایی چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در متن بیانیه گام دوم انقلاب و از روش پیمایش برای سنجش نظرات جامعه آماری تحقیق در مورد تاثیر چالش‌های ساختاری شناسایی شده بر اقتصاد کشور و رتبه بندی تاثیر آن‌ها استفاده میشود. جامعه آماری تحقیق اعضای هیئت علمی رسمی استادیار به بالای دانشگاه ارومیه به تعداد ۷۵ نفر و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان به تعداد ۶۳ نفر و روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته است که نگرش پاسخ‌دهندگان را در مورد هر یک از گویه‌ها بر اساس طیف پنج رتبه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد. برای بررسی روایی ابزار سنجش به مبانی نظری و محتوای بیانیه گام دوم مراجعه شد و علاوه بر آن، روایی صوری و محتوایی ابزار سنجش از سوی خبرگان امر نیز تایید شد. برای سنجش پایایی یعنی تعیین سازگاری، انسجام یا ثبات درونی^۱ سؤالات پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد که معادل ۰/۸۵ بود. برای پاسخ به سوال اول تحقیق و شناسایی چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم، متن بیانیه یاد شده مورد تحلیل محتوا قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و پاسخ به سوال دوم تحقیق از آزمون کای دو و برای رتبه بندی تاثیر چالش‌های ساختاری بر اقتصاد کشور از منظر جامعه آماری تحقیق و در جهت پاسخ به سوال سوم تحقیق از آزمون فریدمن استفاده شده است. سؤالات تحقیق عبارتند از:

۱. چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب کدامند؟
۲. آیا تاثیر چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب بر اقتصاد کشور از دیدگاه اساتید دانشگاه معنادار است؟
۳. رتبه بندی تاثیر چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب بر اقتصاد کشور از دیدگاه اساتید دانشگاه چگونه است؟

یافته‌های تحقیق

یافته‌های کیفی تحقیق

برای شناسایی چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم انقلاب و پاسخ به سوال اول تحقیق، متن بیانیه گام دوم مورد تحلیل محتوا قرار گرفت. بر اساس یافته‌های تحقیق، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به چالش‌های بیرونی و درونی اقتصاد ملی اشاره و بر چالش‌های درونی

^۱. internal consistency

تمرکز کرده‌اند؛ زیرا معتقدند تحریم‌ها در صورت اصلاح مشکلات درونی اقتصاد، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد که امام خامنه‌ای از هشت چالش درونی معطوف به اقتصاد، تحت عنوان «عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی» نام برده‌اند که در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

جدول ۱: چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم

شماره	چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد در بیانیه گام دوم
۱	وابستگی اقتصاد به نفت
۲	حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی
۳	مغفول ماندن ظرفیت‌های داخلی
۴	مغفول ماندن ظرفیت‌های نیروی انسانی
۵	بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن
۶	عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد
۷	عدم رعایت اولویت‌ها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی
۸	اسراف در دستگاه حکومت

در ادامه هر یک از چالش‌های یاد شده به اختصار تبیین می‌شود.

(۱) وابستگی اقتصاد به نفت

نخستین چالش مورد اشاره مقام معظم رهبری در مورد چالش‌های درونی اقتصاد کشور در بیانیه گام دوم، وابستگی اقتصاد ملی به نفت است. از سال ۱۳۸۷ هجری شمسی که نفت در کشور ما کشف و استخراج شد، رویکرد دولتمردان به ذخایر نفتی، منبعی برای کسب درآمدهای ارزی بوده است. اکثر دولتمردان به جای آنکه ذخایر نفت و گاز کشور را قطب توسعه اقتصاد ملی بدانند و رشد این صنعت عظیم را محور رشد بسیاری از بخش‌های دیگر اقتصادی قرار دهند، صرفاً در پی خام‌فروشی و پر کردن خزانه از دلارهای نفتی و تبدیل آن به هر نوع کالای وارداتی بودند. از این رو، با افزایش تولید نفت و با افزایش قیمت نفت، واردات کالاهای مصرفی و صنایع مونتاژ رشد کرد و اقتصاد مصرفی توسعه یافت و متأسفانه این پدیده را رشد و توسعه اقتصادی نامیدند. کلان‌شهرها ایجاد شدند، روستاها و شهرهای کوچک جمعیت فعال خود را از دست دادند، با واردات کالاهای کشاورزی، تولید کشاورزی سقوط کرد و ساختارهای اجتماعی تولید کشاورزی از هم گسیخت. با واردات کالاهای صنعتی، صنایع بومی ورشکسته شدند و بیکاری در کشاورزی و صنعت رشد کرد، سودآوری تجارت در واردات

خلاصه شد و نظام پولی و بانکی کشور در راستای تسهیل و تقویت این چرخه معیوب عمل کرد و سرمایه‌گذاری برای نوآوری و رشد فناوری در صنعت، کشاورزی، حمل‌ونقل و خدمات، سودآوری خود را از دست داد. بدیهی است در چنین شرایطی، هرگاه درآمد ارزی به واسطه افت قیمت نفت خام کاهش یابد، بدنه اقتصاد ملی متزلزل میشود (درخشان، ۱۳۹۸: ۱).

از آنجا که قیمت نفت را بازارهای جهانی تعیین می‌کنند و قدرت‌های بزرگ در این مسئله نقش دارند و در شرایط تحریم فشارهایی را به خریداران نفت ایران وارد می‌کنند و صادرات نفتی کاهش می‌یابد و لذا تا زمانی که این وابستگی وجود دارد، بودجه کشور نوسان خواهد داشت. تورم دو رقیمی نیز از آثار وابستگی اقتصاد به نفت است. دولت بر اساس بودجه مصوب درآمد نفتی را که به حساب‌های خارجی بانک مرکزی وارد می‌شود، از بانک مرکزی مطالبه می‌کند و نقدینگی ریالی آن به حساب خزانه دولت واریز میشود و این در حالی است که هنوز این درآمد بدست نیامده یا ارز آن قابلیت عرضه در بازار را پیدا نکرده است. همین امر به تورم سنگین در اقتصاد منجر میشود (مصباحی مقدم، ۱۳۹۷: ۲).

۲) حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی

اصولاً بخش‌هایی از اقتصاد که جنبه حاکمیتی ندارند، در حیطه وظایف دولت نیست و نباید دولتی باشد. دولت وظایفی در جامعه دارد و آنجا که بازار رقابتی و تولیدکننده خصوصی قادر به فعالیت نیست، دولت باید وارد کار شود و تولید را در دست بگیرد اما اگر میزان فعالیت‌های تولیدی دولت افزایش یابد و اصطلاحاً تصدی‌گری دولت افزایش پیدا کند، موجب ضعیف شدن بازارهای رقابتی و بخش خصوصی می‌شود. سهم بازارهای رقابتی کاهش یافته و دولت تبدیل به یک انحصارگر بزرگ می‌شود. در چنین شرایطی هم بخش خصوصی قادر به فعالیت نخواهد بود و هم کیفیت تولیدات کاهش می‌یابد؛ حمایت‌های دولت از صنایع به صورت نامحدود منجر به کوچک ماندن صنایع، عدم رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی و کاهش کیفیت تولیدات می‌شود. به طور کلی حمایت باید محدود به زمان خاص، هدفمند و مشروط به بهبود کیفیت تولیدات باشد؛ در غیر این صورت، صنایع برای همیشه کوچک و فاقد معیارهای کیفی می‌مانند که این خود ضربه بزرگی به اقتصاد کشور وارد می‌کند. در صورتی که می‌توان با سپردن این بنگاه‌ها به بخش خصوصی کیفیت و کارایی را همزمان افزایش داد. از سوی دیگر، با افزایش فعالیت‌های تصدی‌گری دولت بدنه دولت بزرگ می‌شود و در نتیجه مجبور می‌شود برای تامین هزینه‌های مالیات‌های بیشتری دریافت کند. گرفتن مالیات تصاعدی از

مردم، باعث کاهش کارایی می شود چرا که انگیزه های کار و سودآوری کار و سرمایه را کاهش می دهد. همچنین اگر دولت به انجام کارهایی بپردازد که چندان ضرورتی برای دخالت ندارد و اگر به بخش خصوصی واگذار شود، بهتر و کاراتر اقدام می شود، دولت از وظایف اصلی خود که همان تنظیم برنامه و قانون گذاری و هدفمندی اقدامات است، باز می ماند.

در هر حال نتیجه گیری درباره دخالت یا عدم دخالت دولت در بخش هایی از اقتصاد، نیاز به یک تصمیم گیری پیرامون ارزش پیامدهای منفی و مثبت اقدامات دولت در مسائل مختلف دارد (رستمی، ۱۳۹۱: ۱-۴).

۳) مغفول ماندن ظرفیت‌های داخلی

متأسفانه اندیشه حاکم بر بسیاری از مدیران دولتی این بوده است که رشد و توسعه اقتصادی مستلزم سرمایه‌گذاری خارجی است که به همراه خود فناوری‌های پیشرفته را نیز به همراه دارد و راهکار جذب سرمایه‌گذاری خارجی، امنیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کاهش ریسک کشور برای سرمایه‌گذاران خارجی است و تحقق این امر، همراه شدن با جریان غالب در اقتصاد جهانی است که تحت فرماندهی آمریکاست. در حالی که در خلال بیش از صد سال فروش نفت و تبدیل این ثروت ملی به دلارهای نفتی که نهایتاً در چرخه تبدیل دلارهای نفتی به واردات کالا و خدمات، به جیب همان خریداران نفت سرازیر شده است، موردی یافت نمی شود که سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران منجر به رشد درون‌زا و پویا و مستمر یکی از بخش‌های اقتصادی کشور شده باشد و به واسطه این سرمایه‌گذاری‌ها، انتقال فناوری‌های پیشرفته به کشور صورت گرفته باشد. متأسفانه این حقیقت مغفول مانده است که فناوری، انتقال دادنی نیست بلکه کسب کردنی است و لازمه آن، وجود ظرفیت جذب فناوری در یک کشور است. نخست باید شبکه ملی تحقیقات و نوآوری ایجاد شود که بتواند فناوری را جذب، بومی‌سازی و رشد بدهد و در این فرآیند از سایر فناوری‌ها کمک بگیرد و رشد حاصل را به فناوری‌های دیگر سرریز کند. صنعت خودروسازی در کشور نمونه بارزی از شکست سرمایه‌گذاری‌های خارجی است بیش از ۵۰ سال است که صنعت خودرو در صدر اولویت‌های بخش صنعت قرار گرفته و نخست با سرمایه‌گذاری شرکت‌های انگلیسی و سپس ایتالیایی، آلمانی، کره‌ای، و نهایتاً فرانسوی‌ها رشد کرد. کیفیت خودروهای داخلی و قیمت تمام شده آن و ناتوانی در رقابت با سایر خودروها در بازارهای جهانی، حاکی از شکست سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این صنعت است. اگر در برخی کشورها مانند کره و چین سرمایه‌گذاری‌های خارجی موفق بوده و

ثمرات خوبی برای این کشورها داشته، نه تنها به دلیل زیرساخت‌های لازم برای جذب فناوری و بومی‌سازی آن توسط دولت‌هاست، بلکه به دلیل نظارت دائم و حمایت دولت در رفع موانع رشد داخلی این صنایع و حمایت از ورود آن‌ها به بازارهای جهانی بوده است.

در اثراقت نگاه به خارج، ظرفیت‌های داخلی فراوان کشور در زمینه انرژی، منابع زیرزمینی، سنگ آهن و... بخش کشاورزی و بخش صنعتی مغفول می‌ماند... به دلیل ناکارایی دستگاه‌های دولتی در امر حمایت از تولیدکننده و صادرکننده داخلی و بسته‌بندی‌های غیراستاندارد، در برخی فعالیت‌های تولیدی همچون زعفران، عسل، فرش و گیاهان دارویی نیز نتوانستیم از ظرفیت‌های داخلی برای بازاریابی به روش‌های جدید استفاده کنیم. گفته می‌شود که عسل، زعفران و گیاهان دارویی به صورت فله به برخی کشورهای همسایه صادر می‌شوند و از آنجا با بسته‌بندی‌های استاندارد و چند برابر قیمت، به کشورهای مقصد صادر می‌شوند... این در حالی است که مقام معظم رهبری بارها فرمودند، بر ظرفیت‌های داخلی استفاده نشده تمرکز کنید.

۴) مغفول ماندن ظرفیت‌های نیروی انسانی

در حال حاضر جمعیت ایران جمعیتی جوان است و بیش از دو سوم این جمعیت در سن کار و فعالیت هستند. در صورتی که از این منابع انسانی استفاده شود و متناسب با آن شرایط اشتغال و بهره‌وری ایجاد شود، نه تنها در حال حاضر برخی از مشکلات جمعیتی مرتفع خواهند شد، بلکه از محل تولید و بهره‌وری نیز به رشد اقتصادی کمک خواهد شد. از آنجایی که مسایل جمعیتی قلب توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌باشد، مدیریت سرمایه انسانی، تأثیر قابل توجهی بر ایجاد و توسعه رونق اقتصادی و جهش تولید در کشور دارد. کشور ما با توجه به ترکیب جمعیتی و وفور نسبی نیروی کار، بیش از هر چیزی برای رشد و توسعه نیاز به افزایش بهره‌وری نیروی کار دارد. متأسفانه در گذشته مدیران غربگرا با ترویج شعار ما نمی‌توانیم، نه تنها برای استفاده از این ظرفیت‌های فراوان نیروی انسانی برنامه ریزی و تلاش نکردند، بلکه با مقررات زائد و دست و پاگیر، سد راه کارآفرینان و نیروی فعال شدند.

امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم با یادآوری سرمایه انسانی کشور و انتقاد از استفاده اندک از این

ظرفیت فرمودند:

«نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل

ایمانی و دینی مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور می‌باشد...» (امام خامنه‌ای: ۲۴ / ۱۱ / ۱۳۹۷).

۵) بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن

این چالش مهم مستقیماً متوجه کاستی‌های نظام کارشناسی دولت‌ها در امر بودجه‌بندی و برنامه‌نویسی است. بودجه‌ای که مبتنی بر برنامه‌های عملیاتی نیست. حقوق و دستمزدها بخش عمده‌ای از هزینه‌های جاری آن را تشکیل می‌دهد. شرکت‌های دولتی اغلب ناکارآمد، بخش اعظم بودجه را به خود اختصاص داده‌اند. توازن بین هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای برقرار نیست. در حالی که تخصیص منابع مالی بیشتر به هزینه‌های سرمایه‌ای، مستلزم کاهش هزینه‌های جاری است که فشار بر اقشار متوسط و محروم جامعه را تشدید می‌کند. بودجه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران متوازن است که اقتصاد ملی را در جهتی حرکت دهد که همسو و تقویت‌کننده عملکرد نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی باشد.

۶) عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد

این چالش ناشی از فقدان مبانی روشن، سنجیده، منطقی و سازگار با ارزش‌های اسلامی - انقلابی در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی است که ریشه در دستگاه‌های دولتی دارد. اگر هر یک از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مبنای مستحکم و مبتنی بر نگاه انقلابی و جهادی داشته باشد، آنگاه مجموعه این سیاست‌گذاری‌های اقتصادی با یکدیگر همسو شده و در جهت تقویت یکدیگر عمل می‌کنند که پایداری و ثبات سیاست‌های اقتصادی نتیجه آن خواهد بود. برای نمونه، اگر مجموعه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی و سازگار با مبانی آن تدوین و اجرا شود، به دلیل هدف و مبنای واحد، پایداری و ثبات این سیاست‌ها را در پی خواهد داشت.

ثبات در سیاست‌گذاری‌ها شرط لازم برای امنیت سیاست‌گذاری‌های بخش خصوصی است. تجربیات چند دهه اخیر نشان می‌دهد که با تغییر دولت‌ها، مجموعه سیاست‌های اقتصادی دستخوش ناپایداری می‌شود و لذا افق آینده اقتصادی برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی متزلزل می‌شود. از این رو، بخش خصوصی متمایل به سرمایه‌گذاری‌هایی می‌شود که بازدهی آن‌ها در کوتاه‌مدت باشد که از خطرات محتمل در تغییر در سیاست‌گذاری‌ها محفوظ بماند. بدیهی است که این‌گونه سرمایه‌گذاری‌ها که نوعاً با سفته‌بازی و دلالتی نیز همراه می‌شود، نه تنها رشد واقعی اقتصادی را به دنبال ندارد بلکه زمینه‌های تزلزل و تضعیف اقتصادی را نیز فراهم خواهد کرد.

۷) عدم رعایت اولویت‌ها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی

این چالش نیز ناشی از فقدان مبنای مستحکم در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است که سازگار با ارزش‌های انقلابی-اسلامی باشد. اگر در هر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، اهداف و مبنای حرکت معلوم نباشد، آنگاه سیاست‌های اقتصادی بر اساس منافع شخصی یا جناحی اولویت‌بندی خواهند شد. اگر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در قالب اقتصاد مقاومتی طراحی و اجرایی شود، اولویت‌بندی نیز خواهند شد. به عبارت دیگر، سیاست‌هایی در اولویت قرار می‌گیرند که اقتصاد کشور را با سرعت و هماهنگی و ثبات و توازن بیشتری به سمت مقاوم‌سازی بیشتر پیش ببرند.

۸) اسراف در دستگاه حکومت

پیشگیری از اسراف در تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی اهمیت دارد و این امر در استفاده از امکانات اداری و متعلق به بیت المال، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اسراف در هزینه کردن بودجه، سفرهای پرهزینه داخلی و خارجی، تجملات در محل کار مسئولان، مصرف بی رویه منابع انرژی و ... مصداق‌هایی از اسراف در ادارات دولتی و برخی دولت‌های پرهزینه است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های کمی تحقیق

بر اساس یافته‌های بخش اول و جهت پاسخ به سوالات دوم و سوم تحقیق، پرسشنامه پژوهش بین نمونه آماری توزیع شد. بر اساس اطلاعات جمعیت شناختی، از بین ۶۳ نفر استاد پاسخگو، ۴۰ نفر (۶۳/۵ درصد) مرد و ۲۳ نفر (۳۶/۵ درصد) زن؛ ۳ نفر (۴/۷۶ درصد) استاد تمام، ۱۰ نفر (۱۵/۸۷ درصد) دانشیار و ۵۰ نفر (۷۹/۳۶ درصد) استادیار بودند. توزیع فراوانی پاسخ‌ها به هر یک از سوالات در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌ها جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌ها

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	چالش‌های ساختاری معطوف به اقتصاد
۳۸	۲۰	۵	۰	۰	۱. وابستگی اقتصاد به نفت
۲۷	۳۲	۲	۱	۱	۲. حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی
۲۳	۲۷	۵	۵	۳	۳. مغفول ماندن ظرفیت‌های داخلی
۱۹	۳۰	۱۰	۲	۲	۴. مغفول ماندن ظرفیت‌های نیروی انسانی
۲۶	۲۹	۵	۳	۰	۵. بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن
۱۰	۳۱	۱۷	۳	۲	۶. عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد
۸	۳۷	۱۴	۳	۱	۷. عدم رعایت اولویت‌ها
۱۳	۲۵	۱۶	۷	۲	۸. اسراف در دستگاه حکومت

بررسی فراوانی پاسخ‌های جامعه هدف در مورد هر یک از سوالات نشان می‌دهد که اعضای هیات علمی دانشگاه در مجموع، «وابستگی اقتصاد به نفت» را مهمترین چالش ساختاری می‌دانند؛ به طوری که از مجموع ۶۳ پاسخ، تنها پنج پاسخ به گزینه «به طور متوسط» و بقیه به گزینه های «زیاد» و «خیلی زیاد» تعلق دارد. در مورد "حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی" نیز به دو گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد» بیشترین تعداد پاسخ‌ها داده شده است، در حالی که به سه گزینه «خیلی کم»، «کم» و «متوسط» تنها چهار پاسخ داده شده است. در اولویت سوم چالش شماره (۵) یعنی «بودجه بندی معیوب و نامتوازن» قرار دارد؛ به طوری که میزان تجمیع پاسخ‌ها در دو گزینه «زیاد» و «خیلی زیاد» به ترتیب برابر (۲۹) و (۲۶) مورد و تجمیع پاسخ‌ها در سه گزینه دیگر در مجموع برابر (۸) پاسخ است. برای آزمون معناداری این پاسخ‌ها و نیز پاسخ به سوال دوم تحقیق از آزمون کای دو استفاده شده است (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون کای دو

مقادیر	q1	q2	q3	q4	q5	q6	q7	q8
آماره کای دو	۰۰۰.۲۶	۶۰۳.۷۶	۵۲۴.۴۱	۶۵۱.۴۵	۴۷۶.۳۵	۱۷۵.۴۵	۰۷۹.۶۷	۵۴۰.۲۴
درجه آزادی	۲	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

نتایج تحلیل آماری حاکی است که سطح معناداری آزمون در همه موارد، (۰/۰۰۰) بوده که کمتر از سطح اطمینان (۰/۰۱) است. از این رو می‌توان گفت که تاثیر چالش‌های ساختاری مورد اشاره رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بر اقتصاد کشور از دیدگاه اساتید دانشگاه با ۹۹ درصد اطمینان معنادار است.

برای پاسخ به سوال سوم تحقیق و رتبه بندی میزان تاثیر این چالش‌ها بر اقتصاد کشور از دیدگاه جامعه آماری تحقیق، از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) مشاهده می‌شود.

جدول ۴: نتایج آزمون فریدمن

رتبه	Mean Rank	چالش‌های ساختاری
۱	۴/۵۲	(۱) وابستگی اقتصاد به نفت
۲	۴/۳۲	(۲) حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی
۴	۳/۹۸	(۳) مغفول ماندن ظرفیت‌های داخلی

۴	۳/۹۸	۴) مغفول ماندن ظرفیت‌های نیروی انسانی
۳	۴/۲۴	۵) بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن
۶	۳/۷۰	۶) عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد
۵	۳/۷۶	۷) عدم رعایت اولویت‌ها
۸	۳/۵۶	۸) اسراف در دستگاه حکومت

همان‌گونه که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، از نظر اساتید دانشگاه، "وابستگی اقتصاد به نفت" (با میانگین رتبه ۴/۵۲) مهم‌ترین چالش اقتصادی است. بعد از آن به ترتیب "حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی" (با میانگین رتبه ۴/۳۲) و "بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن" (با میانگین رتبه ۴/۲۴) دو چالش مهم به لحاظ میزان اهمیت و تاثیر در اقتصاد کشور هستند. از دیدگاه جامعه هدف، دو چالش «مغفول ماندن ظرفیت‌های داخلی» و «مغفول ماندن ظرفیت‌های نیروی انسانی» (با میانگین رتبه ۳/۹۸) در اولویت چهارم؛ "عدم رعایت اولویت‌ها" (با میانگین رتبه ۳/۷۶) در اولویت پنجم؛ "عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد" (با میانگین رتبه ۳/۷۰) در اولویت ششم و "اسراف در دستگاه حکومت" (با میانگین رتبه ۳/۵۶) در اولویت هفتم قرار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تبیین چالش‌های ساختاری مطرح در بیانیه گام دوم انقلاب و سنجش تاثیر و رتبه بندی آنها به لحاظ تاثیرگذاری بر اقتصاد کشور از دیدگاه استادان دانشگاه انجام گرفت. یافته‌های حاصل از تحلیل محتوا در متن بیانیه گام دوم انقلاب نشان می‌دهد که چالش‌های مطرح در این بیانیه عبارتند از:

۱. وابستگی اقتصاد به نفت ۲. حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی ۳. مغفول ماندن ظرفیت‌های داخلی ۴. مغفول ماندن ظرفیت‌های نیروی انسانی ۵. بودجه بندی معیوب و نامتوازن ۶. عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد ۷. عدم رعایت اولویت‌ها ۸ اسراف در دستگاه حکومت است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تاثیر همه این چالش‌ها بر اقتصاد کشور از دیدگاه استادان دانشگاه معنادار است و از دیدگاه آنها، سه چالش "وابستگی اقتصاد به نفت"، "حضور غیر موجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی" و "بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن"، به ترتیب تاثیرگذارترین چالش

های ساختاری اقتصاد کشور هستند.

برخی از نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق درخشان (۱۳۹۷) و مصباحی مقدم (۱۳۹۷) همخوانی دارد. درخشان مهم ترین عیب ساختار اقتصاد ملی را وابستگی اقتصاد به نفت می داند و معتقد است بزرگترین مانع کشور برای پیشبرد سیاست‌های کلی نظام ساختار غلط اقتصاد به ارث رسیده از قبل انقلاب و تداوم آن است. از نظر مصباحی مقدم (۱۳۹۷) وابستگی به نفت، آفت نگاه به خارج، عدم توجه به نیروی انسانی نسل جدید، اصلاح ساختار بودجه و برقراری عدالت و رفع شکاف طبقاتی و توجه به تولید داخلی برخی از عیوب اقتصادی مهم کشور هستند که باید در گام دوم انقلاب برطرف شوند.

بدین ترتیب بر اساس یافته های تحقیق، برای حل مشکلات اقتصادی باید، این چالش های هشت گانه برطرف شود و بخصوص سیاست "وابستگی اقتصاد به نفت"، «حضور غیرموجه دولت در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی» و "بودجه ریزی معیوب و نامتوازن" به دلیل تاثیرگذاری بیشتر بر اقتصاد کشور، در اولویت بازنگری و اصلاح قرار بگیرد.

راه کارها

در راستای نتایج تحقیق حاضر، برای برون رفت از این چالش های ساختاری در اقتصاد کشور، پیشنهادهای زیر به عنوان راه کار برای رفع این چالش ها ارائه میشود:

۱. شناخت دقیق وضع موجود اقتصاد کشور از نظر توانمندی ها و محدودیت های داخلی و فرصت ها و تهدیدهای بیرونی در تمام بخش ها و زیر بخش ها، گام اول برای برنامه ریزی جهت رفع این چالش هاست. از این رو پیشنهاد میشود، با ایجاد بانک های اطلاعاتی و شبکه ملی تحقیقات اقتصادی امکان مطالعه وضع موجود و تبادل اطلاعات، همفکری و هم افزایی در این زمینه بین مسئولین، اقتصاددانان و پژوهشگران فراهم شود.

۲. برای پرهیز از خام فروشی و وابستگی به صادرات نفت خام، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید محصولات دارای بازدهی بهینه، افزایش تولید و صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع، افزایش صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا از جمله محصولات دانش بنیان، کاهش صادرات منابع خام و ارتقاء و بهبود چرخه تبدیل منابع طبیعی به کالای نهایی توصیه میشود.

۳. در راستای افزایش صادرات غیر نفتی به سیاستگزاران توصیه میشود، مجوزهای تولید انحصاری و

موانع تولید و مقررات دست و پاگیر برچیده شود؛ تولید خانگی و طرح‌های تولیدی کوچک و زودبازده از طریق تسهیل مقررات، ایجاد زیرساخت‌ها و مشوق‌های مورد نیاز، بسته‌بندی‌های استاندارد و ایجاد ثبات سیاست‌های اجرایی حمایت شود. ثبات و اطمینان برای سرمایه‌گذاران در حوزه‌های مولد ایجاد و مزیت‌های اقتصادی در حوزه‌های غیرمولد از بین برود.

۴. توصیه می‌شود تا قطع وابستگی کامل بودجه کشور به صادرات نفت خام، سهم افزایش سالانه صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز افزایش یابد و برای افزایش تولید و اشتغال و سرمایه‌گذاری در سایر زمینه‌ها از آن استفاده شود.

۵. سال‌هاست مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به مبادی رسمی واردات بی‌رویه و عامل کاهش تولید داخلی تبدیل شده است. توصیه می‌شود با تغییر رویکرد، از ظرفیت مناطق آزاد برای افزایش صادرات غیر نفتی و توسعه تولید ملی و تأمین نیازهای ضروری از خارج استفاده شود.

۶. در جهت افزایش تولیدات غیر نفتی و افزایش اشتغال، بهره‌وری و عدالت اجتماعی، قانون هدفمندسازی یارانه‌ها به طور صحیح اجرا و از ظرفیت‌های بلااستفاده آن برای این منظور استفاده شود.

۷. برای تقویت مشارکت بخش خصوصی و رشد بهره‌وری در اقتصاد کشور، ضمن حفظ وظیفه نظارت، تصدی‌گری دولت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی کاهش یابد و حمایت و تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد با دانش بنیان کردن تولید و نیز استفاده از مزیت‌های رقابتی موجود، محور برنامه‌های اقتصادی دولت و مجلس قرار بگیرد.

۸. یکی از راه‌کارهای کاهش تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی غیر ضروری و تقویت تولید و فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوصی، اجرای صحیح سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی است. البته شرط لازم در این زمینه اولاً رعایت صلاحیت و اهلیت در واگذاری‌ها و ثانیاً حفظ نظارت دولت و مجلس بر این فعالیت‌ها در جهت حفظ منافع عمومی است.

۹. در راستای اصلاح ساختار بودجه و حل معضل کسری مستمر بودجه، بودجه‌ریزی عملیاتی و تخصیص بودجه در قالب برنامه‌های عملیاتی، اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی و اتخاذ سیاست‌های درست مالیاتی و نیز پیشگیری از فرارهای مالیاتی کلان، هزینه‌کرد کارادر بودجه کشور و شفاف کردن بودجه، عملکرد و صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی که بخش اعظم بودجه کشور را به خود اختصاص می‌دهند و واقعی کردن بودجه در بخش‌های مختلف توصیه می‌شود.

۱۰. مروری بر گزارش سال‌های اخیر دیوان محاسبات نشان می‌دهد، عملکرد دولت‌ها در اجرای

احکام قانون بودجه نامطلوب بوده است؛ ولی به دلیل گزارش های دیرهنگام، این خطا برای دولتها هزینه ای نداشته است. توصیه میشود، این رویه که نوشداروی بعد از مرگ سهراب است، شکسته شود. برخط شدن و ارائه زودهنگام گزارش تفریغ بودجه توسط دیوان محاسبات کشور می تواند پایان بخش ارزیابی های بی خاصیت بر عملکرد بودجه ای دستگاههای دولتی باشد.

۱۱. یکی از بی انضباطی های مالی در اقتصاد کشور، رشد بی رویه مقدار نقدینگی است. رشد نقدینگی باید با شاخص های کلان اقتصادی همچون «نرخ رشد اقتصادی» ارتباط منطقی داشته باشد؛ در غیر این صورت نتیجه ای جز تورم و گرانی نخواهد داشت. عدم استقراض دولت سیزدهم از بانک مرکزی یکی از تدابیر کلیدی دولت برای مهار تورم بوده که ادامه آن ضرورتی انکارناپذیر است. در کنار آن عزم جدی برای هدایت نقدینگی در بخش های مولد از جمله تدابیر اساسی برای مهار تورم است.

۱۲. حکمرانی ناکارآمد نظام بانکی، ناترازی بانکها و افزایش بدهی آنها به بانک مرکزی و نیز بکارگیری نقدینگی در بخش های غیرمولد همچون دلالی سکه و ارز، مسکن و کالاهای اساسی، ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی است. چاره کار، اصلاح شبکه بانکی، جلوگیری از ورود نقدینگی خلق شده بانکها به بازارهای غیرمولد و امور دلالی و تورمزا، هدایت نقدینگی به بخش های مولد نظیر تولید مسکن، نیروگاه، پالایشگاه و... است. برای این منظور، تشکیل کمیته نظارت دائمی بر عملکرد بانک ها، الکترونیکی و شفاف کردن صورت های مالی و دسترسی به قراردادهای بانکی، حصول اطمینان از عدم استفاده از منابع بانکی در امور بنگاهداری و سفته بازی در بازارهای مختلف راهگشا خواهد بود.

۱۳. تعارض منافع یکی از معضلات اقتصاد کشور است که موجب قربانی شدن منافع عمومی به پای منافع خصوصی حصولتی ها می شود. به منظور بازدارندگی پیشنهاد می شود با تصویب قانون، فعالیت های اقتصادی مدیران دولتی در بخش خصوصی ممنوع و در مورد فعالیت های اقتصادی و فرآیندهای تصمیم گیری مسئولان شفاف سازی شود و با شناسایی شبکه مافیایی در مراکز اقتصادی با تمام مظاهر فساد، مقابله جدی صورت بگیرد.

۱۴. برای پیشگیری از اسراف و هزینه های بی مورد، باید همه دستگاه های دولتی به اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و رعایت صرفه جویی در هزینه ها موظف شوند. ایجاد تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه های موازی و غیرضروری نیز به صرفه جویی در هزینه های اجرایی کمک خواهد کرد.

۱۵. بر اساس نتایج تحقیق، یکی از چالش‌های مهم ساختاری در اقتصاد کشور، عدم استفاده از ظرفیتهای مادی و انسانی است؛ در این راستا، بکارگیری سیاست‌های توسعه صنعتی با استفاده از آمایش سرزمینی و تسهیل و تشویق مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با ارائه طرح‌های تشویقی و حمایتی از سوی دولت و مجلس، توصیه میشود.

۱۶. امام خامنه‌ای (۱۳۹۳/۳/۴) به صراحت فرمودند که علاج مشکلات کشور، اقتصاد مقاومتی است و ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تولید داخلی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۱۰)؛ در راستای اجرای مولفه‌های اقتصاد مقاومتی و تقویت تولید داخلی علاوه بر توصیه‌های قبلی، پیشنهاد می‌شود، نه تنها دولت و مجموعه حاکمیت تمام فعالیت‌های اقتصادی کشور را بر اساس شاخص‌های اقتصاد مقاومتی برنامه‌ریزی و سازماندهی کنند؛ بلکه ابعاد اقتصاد مقاومتی در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای باید به طور مستمر تبیین و تبلیغ شود تا به گفتمان فراگیر ملی و مشارکت عمومی تبدیل گردد. از نظر قانونی نیز مشوق‌ها و ضمانت‌های اجرایی لازم ایجاد شود. از نگرش کوتاه مدت و مسکن‌های موقت و نمایشی باید پرهیز شود؛ زیرا رفع عیوب و چالش‌های ساختاری اقتصاد کشور تنها با اصلاح و تحول در زیرساخت‌ها و ساختارهای اقتصادی امکان‌پذیر است.

کتابنامه:

- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب.
- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). بیانات در بازدید از گروه صنعتی مپنا، ۱۳۹۳/۲/۱۰.
- امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳/۳/۴.
- اشیری، سعید (۱۳۹۷). «ده کارکرد گفتمانی بیانیه گام دوم انقلاب»، khamenei.ir.
- امینی، داور و پناهی، حمید (۱۳۹۸). «تحلیلی بر بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه بهره برداری از جغرافیای طبیعی در توسعه اقتصادی کشور»، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۷ (۲۶)، صص ۲۷-۵۶.
- بذرپاش، مهرداد (۱۳۹۷). «تأملی در پیشران‌های گام دوم»، khamenei.ir.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۷). «تبیین ابعاد اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب»، <http://dr-derakhshan.ir>; ۱۳۹۷/۱۲/۱۵.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۸). «تحلیل اقتصادی: عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی در اقتصاد ملی»، سایت گام دوم انقلاب.
- رستگار، عباسعلی و باقری قره باغ، هوشمند (۱۳۹۹). «تأملی بر بیانیه گام دوم انقلاب در تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، مشهد»، کنفرانس ملی مؤلفه‌های تمدن‌ساز در بیانیه گام دوم انقلاب.
- رستمی، هوشیار (۱۳۹۱). دولت چقدر در اقتصاد دخالت کند؟ سایت دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱/۱۲/۱.
- زرهانی، سیداحمد (۱۳۹۷). «۳ زاویه قابل تأمل بیانیه گام دوم انقلاب»، خبرگزاری فارس: ۱۳۹۷/۱۲/۲۰.
- شاکری، مجید (۱۳۹۷). «اصلاحات اقتصادی در گام دوم»، farsi.khamenei.ir/others; ۱۳۹۷/۱۱/۲۸.
- عبدالملکی، حجت الله (۱۳۹۷). «موتور پیشران حرکت به سوی تمدن اسلامی»، khamenei.ir.
- عبداللهی، کیان (۱۳۹۷). «بررسی ابعاد بیانیه گام دوم انقلاب»، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۷.
- قربانی توتکابنی، الهام (۱۳۹۹). «فرهنگ سازی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (با رویکرد بیانیه گام دوم انقلاب)»، فصلنامه دانش انتظامی گیلان، ۹ (۱)، صص ۳۴-۴۹.
- مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۹۷). «غلبه بر چالش‌های اقتصادی در گام دوم انقلاب»، farsi.khamenei.ir/others-note?id=41702، ۱۳۷۹/۱۲/۹.

مقیمی، سیدمحمد (۱۳۹۷). سخن سردبیر، فصلنامه مدیریت اسلامی، ۳۶ (۳)، صص ۵-۱۴.
موسوی طباطبایی، سید ابوالحسن (۱۳۹۸). «گام دوم به پرچمداری حضرت علی اکبر(ع)»، روزنامه
کیهان : ۱۳۹۸/۱/۲۷.
یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۸). درسنامه اقتصاد مقاومتی، قم: آفتاب توسعه.